

پاداش های بانکی

نوشته ی مایکل رابرتز،

نوامبر 2010

ترجمه: آرمان پویان



مرجع نظارت مالی بر نظام بانکداری ایالت نیویورک، روز گذشته اعلام کرد که میزان پاداش های بانکی وال استریت در سال 2009، با 17 درصد افزایش نسبت به سال 2008، از رقم 17.4 میلیارد به 20.3 میلیارد دلار افزایش داشت. ضمناً، میزان پاداش ها در سال 2008، قریب به 47 درصد پایین تر از نقطه اوج خود در سال 2007، یعنی رقمی معادل 33 میلیارد دلار، بوده است. تخمین زده می شود که حجم پاداش ها در سال جاری (2010)، به 21 میلیارد دلار برسد. البته هنوز

مبالغ پاداش به سطوح پیش از بحران نرسیده است، چرا که هنوز میزان سرمایه گذاری در مقایسه با سال 2007 بسیار پایین به نظر می رسد.

در انگلستان هم "مرکز تحقیقات اقتصادی و تجاری" تخمین می زند که در سال 2010، پاداش ها- تنها در شهر لندن- به حدود 7 میلیارد پوند خواهد رسید. البته دولت تلاش می کند تا بانک ها را وادار به کاهش میزان پاداش های خود تا سقف 4 میلیارد پوند کند. اما این که چگونه این امر صورت می گیرد، چندان مشخص نیست. احتمالاً بانکداران پاداش خود را در قالب سهام بانک دریافت می کنند و نه وجوه نقد؛ یا شاید پرداخت وجوه نقد در طی چند سال آتی به حالت تعلیق درآید. روش دیگر هم می تواند افزایش پایه حقوق، به جای افزایش پاداش ها باشد. ظاهراً قرار است تا پایه حقوق "بانکداران ارشد" در بزرگ ترین بانک بریتانیا، HSBC، دو برابر شود!



این کارمندان جزء در باجه های بانک و سایر قسمت های بانک هستند که برای اعطای این پاداش های کلان، تحت فشار قرار می گیرند. با این حال، کلّ پاداش در نظر گرفته شده برای اکثر کارمندان "عادی" بانک ها، بسیار ناچیز و در حدّ چند هزار دلار یا پوند است.

از اواخر سال 2007 تاکنون، یک ششم مشاغل وال استریت، یعنی حدود 31000 مورد شغل، از بین رفته است. این ها، "بانکداران ارشد" با حقوق و پاداش های بالا نیستند، بلکه کارمندان دون پایه ای هستند که برای بهبود وضع بانک ها قربانی می شوند.

یکی از ترّهاتی که مدّتی است از سوی طرفداران سرمایه مالی تکرار می شود اینست که کاهش پاداش های بانکی به این معناست که درآمدهای مالیاتی دولت کاهش پیدا خواهد کرد. بنابراین کاهش پاداش ها برای اقتصاد، اقدامی احمقانه است. چه مزخرفاتی! با این استدلال، لابد باید پاداش ها را دو یا سه برابر کنیم تا بتوانیم درآمد مالیاتی بیش تری جمع آوری کنیم!

تخمین زده می شود که اگر پاداش های نقدی در شهر لندن، از 7 به 4 میلیارد پوند کاهش پیدا کند،



حدود 1.8 میلیارد پوند به صورت درآمد مالیاتی پرداخت نشده، از دست خواهد رفت. اما باید به یاد داشت که بانک ها، پس از کسر ارقام ضرر و زیان دو سال گذشته خود از میزان سودی که امسال به دست خواهند آورد، مالیات پرداخت خواهند کرد [در واقع به منظور اهداف مالیاتی، ابتدا سود خود را با

توجه به زیان های قبلی، "تعدیل" و به همین خاطر مالیات کم تری پرداخت می کنند- م] بنابراین زیان 1.8 میلیارد پوندی در مقایسه با "مالیات های شرکتی" که بانک ها در عمل پرداخت نمی کنند،

بسیار ناچیز به نظر می‌رسد. دولت انگلستان تنها از همین "تعدیل سود"، 5 تا 7 میلیارد پوند از دست می‌دهد.

به علاوه، ضرر واقعی در درآمد مالیاتی از پیامدهای رکود بزرگ به دنبال سقوط نظام بانکی ناشی می‌شود. به عنوان مثال، در انگلستان دست کم 2.5 میلیون نفر بیکار هستند و به دنبال شغل می‌گردند. البته ارقام واقعی باید بسیار بیش‌تر از این‌ها باشد. اما اگر هر یک از این افراد، شغلی تمام وقت با متوسط دستمزدی در حدود 25000 پوند داشتند، مجموع افراد بیکار در کل می‌توانستند 62 میلیارد پوند به دست آورند. بنابراین دولت با وضع یک نرخ مالیاتی مثلاً 20 درصد، قادر می‌شد تا 12.5 میلیارد دلار در قالب درآمد مالیاتی به دست آورد. رقمی که از میزان درآمد از دست رفته دولت به دنبال کاهش پاداش‌های بانکی، به مراتب بیش‌تر است [و نتیجتاً می‌تواند جایگزین آن شود- م].

این همان چیز است که مخالفین دخالت در اعطای پاداش به اعضای رده بالای بانک‌ها، در موردش صحبتی نمی‌کنند.

رسانه نور